

تحلیل عنوان‌های اشعار احمد شاملو

دکتر مسعود روحانی^۱، محمد عنایتی قادیکلایی^۲

چکیده

بررسی عنوان‌های شعری می‌تواند راهی باشد برای تحلیل بهتر شعر و اندیشه شاعران. در این جستار به بررسی آماری و تحلیلی عنوان‌های شعری احمد شاملو پرداختیم. پرسش اصلی مقاله این است که روش شاملو در انتخاب عنوان‌ها چیست و از این عنوان‌ها چه بهره‌ای برده است؟ به همین منظور، تمام عنوان‌ها از جهات مختلف واژگانی، زبانی و معنایی مورد تحلیل قرار گرفت و روابط میان این عنوان‌ها با محتوای شعر بررسی شد. در این مقاله، تلاش گردید با ارائه جداول و نمودارها، مشخص شود که عنوان‌های شعری حاضر در شعر احمد شاملو چقدر با اندیشه‌ها و مفاهیم موجود در متن هر شعر نزدیک‌اند. آمارها نشان داد شاملو به انتخاب عنوان‌های کوتاه تمایل دارد و از عنوان اشعار خود در راستای دستیابی به وحدت درونی شعر (وحدت ارگانیک) استفاده می‌کند. همچنین از بررسی این عنوان‌ها می‌توان دریافت که مهم‌ترین مضامین شعر شاملو عبارتند از: انسان‌گرایی، طبیعت‌گرایی، عشق و عناصر رمانتیک و مرثیه‌ها.

کلیدواژه‌ها: احمد شاملو، عنوان شعری، صور خیال، زبان، محتوا.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عناصر سازنده هر شعر، زبان است. زبان، بستری است که شاعر اندیشه‌های خود را در قالب‌ها و فرم‌های گوناگون در آن به نمایش می‌گذارد و به وسیله آن فرایند تکوین شعر را به انجام می‌رساند. بنابراین شعر، بیرون زبان قابل تصور نیست. از سوی دیگر، پایه و مایه اصلی شکل‌گیری زبان، واژگان هستند و واژه به‌عنوان رکن سازنده زبان، نقش عمده‌ای در ساختار هر شعر دارد، تا جایی که یکی از صورت‌گرایان روسی، شعر را رستاخیز کلمه‌ها خوانده است و گفته: مرز شعر و ناشر همین رستاخیز کلمه‌هاست (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۵). حقیقت آن است که «یکی از شرایط مهم ارتباط با متن و هر گونه دریافت از یک اثر ادبی، وابسته به شناختی است که خواننده نسبت به اجزاء و سازه‌های کوچک‌تر متن از قبیل "واژه" دارد. شناخت واژه، مهم‌ترین نقش را در شناخت و تفسیر متن دارد زیرا واژگان اندوخته در ذهن شاعر است که هر کدام بر شیئی یا مفهومی که شاعر نسبت به آن آشنایی دارد، دلالت می‌کند» (عمران‌پور، ۱۳۸۶: ۱۵۵). توجهی که دانش‌مندان لغت‌شناس گذشته و زبان‌شناسان معاصر به "واژه" داشته‌اند، حاکی از اهمیت "واژه" است به‌گونه‌ای که برخی از محققان زبان، "واژه" را واحد اندیشه می‌دانند (لوریا، ۱۳۶۸: ۱۲).

هر شاعر صاحب سبک، از واژگان خاصی در شعرش بهره می‌برد و دارای دایره واژگانی مخصوص به خود است و این امر می‌تواند محصول دلایل مختلفی باشد؛ «عوامل مؤثر در گزینش واژگان شعر، فراوان و متنوع است که برخی از آن‌ها عبارتند از: شخصیت فردی شاعر به‌ویژه حالات روحی وی، مخاطبان شاعر، سنت و میراث ادبی گذشته، محیط زندگی شاعر و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۲) این یک اصل ثابت شده است که میزان حضور یک واژه یا واژگانی خاص در یک اثر می‌تواند ما را به نتایج تعیین‌کننده‌ای درباره صاحب آن اثر برساند؛ «روان‌شناسان معتقدند از روی تنوع و بسامد یک واژه می‌توان گرایش‌های فکری، عاطفی، اجتماعی و سیاسی او را تشخیص داد. فروید بر این باور است که راز بیماری روانی را از کاربرد بیش از اندازه پاره‌ای از واژه‌ها که حکایت‌گر وسوسه او است، می‌توان دریافت» (غیائی، ۱۳۶۸: ۳۹).

حال پرسش این است که در ساختار یک شعر، کدام واژه یا واژگان از اهمیت بیشتری برخوردارند؟ به زبان دیگر، واژگان کلیدی هر شعر در کدام بخش از شعر قرار دارند؟ آنچه مسلم است یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر شعر، عنوان آن است؛ عنوان‌ها، معمولاً از

برجسته‌ترین و ماندگارترین واژگان اندوخته در ذهن شاعرند که از طریق آن می‌توان به ساختار فکری وی دست یافت. از سوی دیگر، «میان عنوان و مقدمات هر جزء هنری و ادبی با شاکله متن، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که کشف این ارتباط در محورهای زبانی، ساختاری و محتوایی می‌تواند به تحلیل واقعی متن بیانجامد» (گرچی و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۰). هم‌چنین سبک و روش هر شاعر در انتخاب عنوان و این‌که وی چه اهدافی را از این انتخاب دنبال می‌کند، می‌تواند راه‌گشای ما در بررسی بهتر شعر و اندیشه شاعر باشد.

در این جستار بر آن هستیم تا روش احمد شاملو در گزینش عنوان‌های شعر را بررسی نماییم و از این طریق به روابط این عناوین شعری با متن و محتوای شعر وی پی ببریم. هم‌چنین سعی داریم با تحلیل زبانی و محتوایی این عنوان‌ها، به ساختار فکری شاعر و اندیشه‌هایی که در پس این عنوان‌ها نهفته است، دست یابیم. برای رسیدن بدین مقصود، مجموعه اشعار این شاعر را مورد پژوهش و تدقیق آماری قرار دادیم.^۱ بنابراین سعی شد با ارائه جداول و نمودارها، روابط عنوان‌ها با ساختار و محتوای اشعار احمد شاملو تبیین گردد. لازم به ذکر است کمتر پژوهشی با این رویکرد، در سطح شعر شاعران دیده شده و از اندک نمونه‌ها، می‌بایست به مقاله "بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصر امین‌پور" از دکتر مصطفی گرچی و افسانه میری اشاره کرد. لذا مقاله حاضر، اولین پژوهش درباره عناوین شعر احمد شاملو است.

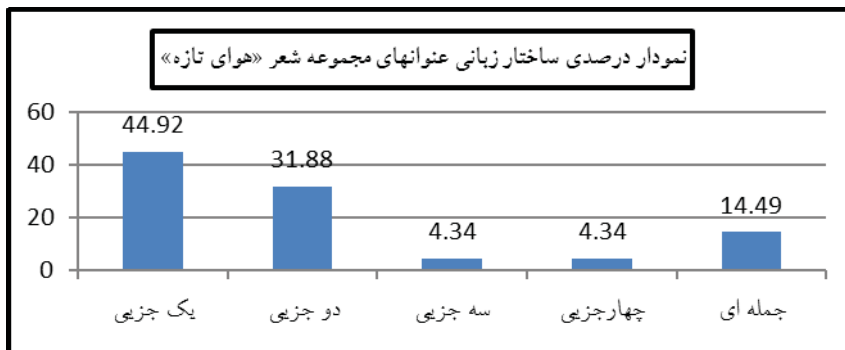
بحث و بررسی

الف) بررسی ساختار زبانی عنوان‌های شعری

یکی از جهات قابل بررسی هر شعر "زبان" آن است چه، «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت شاعر با شعر خود عملی در زبان انجام می‌دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی تمایزی احساس می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳). در این قسمت به بخش زبانی عنوان‌های شعر احمد شاملو توجه شده است و عنوان‌ها را بر حسب چند جزئی بودن (یک جزئی، دو جزئی، سه جزئی و... جمله‌ای یا پیوندی) مورد بررسی قرار داده‌ایم.

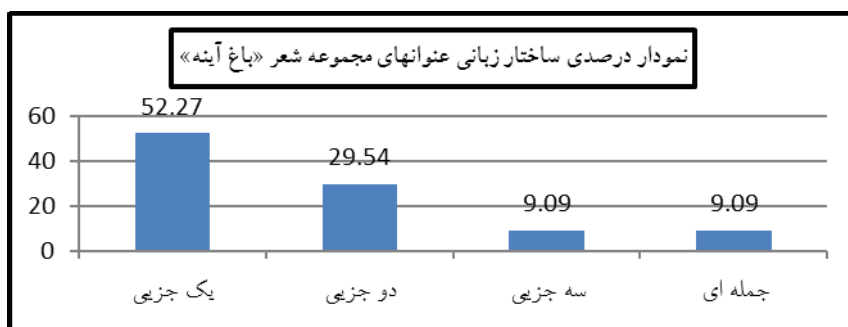
الف. ۱) مجموعه «هوای تازه»

این مجموعه شامل شصت‌ونُه عنوان شعر است که همه دارای عنوان هستند. تعداد عنوان‌های یک‌جزیی در این مجموعه سی‌ویک مورد است که بعضی از آن‌ها عبارتند از: "بازگشت، بیمار، سفر، تردید، احساس و...". تعداد عناوین با ساخت دو جزیی بیست‌ودو مورد است. برخی از این عنوان‌ها عبارتند از: "بهار خاموش، شعر گمشده، صبر تلخ، مرد مجسمه و عشق عمومی و...". سه شعر از این مجموعه دارای عنوان سه جزیی است که عبارتند از: "در رزم زندگی، غزل آخرین انزوا و از مرز انزوا". از ساخت چهار جزیی نیز فقط سه مورد دیده می‌شود که عبارتند از: "از زخم قلب آبی، آواز شبانه برای کوجه‌ها و با سماجت یک الماس". ده عنوان از عنوان‌های مجموعه «هوای تازه» ساختار جمله‌ای دارند که تعدادی از آن‌ها عبارتند از: "نگاه کن، تو را دوست می‌دارم، دیگر تنها نیستم، به تو بگویم و بدرود و...".



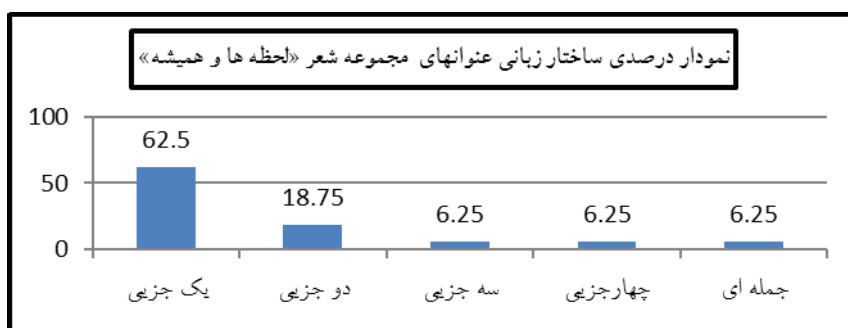
الف. ۲) مجموعه «باغ آینه»

این مجموعه چهل‌وچهار شعر دارد و همه دارای عنوان هستند. بیست‌وسه ساخت یک‌جزیی در عنوان‌های این مجموعه دیده می‌شود: «کلید، اتفاق، برف، اصرار و معاد و...». تعداد عناوین دو جزیی سیزده مورد است و شامل عنوان‌هایی هم‌چون: "خواب و جین‌گر، دو شیخ، جز عشق، لوح گور، تا شک" است. چهار شعر از این مجموعه، دارای عنوان سه جزیی است: "حریق قلعه‌ای خاموش، از نفرتی لبریز، از شهر سرد و قصه دختران ننه‌دریا". عنوان‌هایی که ساختار جمله‌ای دارند نیز چهار موردند و عبارتند از: "مثل این است... فریادی و دیگر هیچ، بر خاک جدی ایستادم...، شعر ناپلئون در جنگ‌های بزرگ میهنی".



الف. ۳) مجموعه «لحظه‌ها و همیشه»

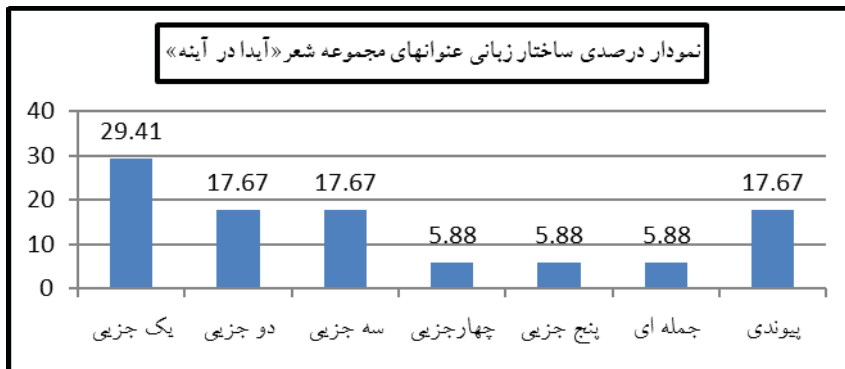
این دفتر بیست‌ویک شعر دارد که شانزده مورد از آن دارای عنوان هستند^۲ ده عنوان با ساخت یک‌جزیی که برخی از آنها مانند "سرود، میلاد، گریزان، کوه‌ها و حماسه و...". تعداد ساخت دو‌جزیی سه مورد است این گروه عبارتند از: "پایتخت عطش، انگیزه‌های خاموشی، غزل ناتمام". یک شعر از این مجموعه با نام "من مرگ را" دارای عنوانی سه‌جزیی است. همچنین در این مجموعه یک مورد عنوان چهار‌جزیی نیز دیده می‌شود به نام: "میان ماندن و رفتن". عنوان "سخنی نیست" نیز تنها عنوان از نوع ساختار جمله‌ای در این مجموعه به حساب می‌آیند.



الف. ۴) مجموعه «آیدا در آینه»

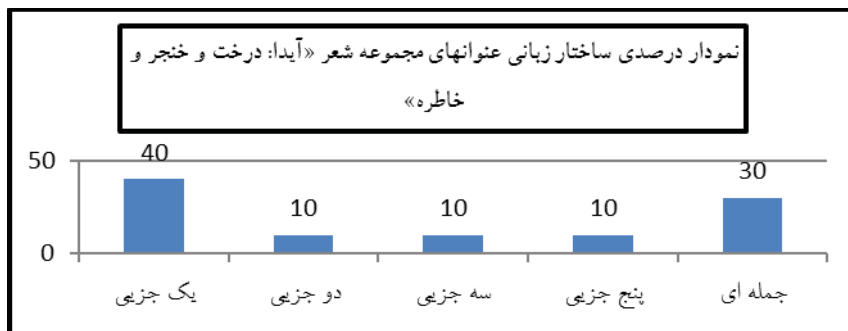
این مجموعه بیست‌وهفت شعر دارد و هفده مورد از آنها دارای عنوان هستند. پنج ساخت یک‌جزیی در عنوان‌های این مجموعه دیده می‌شود که عبارتند از: "آغاز، شبانه، خفتگان، تکرار و میعاد". تعداد ساخت دو‌جزیی سه مورد است و شامل عنوان‌هایی

هم‌چون: "از مرگ، سرود آشنایی و سرود پنجم" می‌باشد. سه شعر از این مجموعه دارای عنوان سه‌جزیی است: "سرود مرد سرگردان، به یک جمجمه و آیدا در آینه". در این مجموعه فقط یک مورد عنوان چهارجزیی "جاده آن سوی پل" و یک عنوان پنج‌جزیی "سرود برای سپاس و پرستش" دیده می‌شود. یک مورد از ساختار جمله‌ای نیز در این مجموعه وجود دارد: "سرود آن کس که از کوچه به خانه باز می‌گردد". چهار مورد از عنوان‌های مجموعه آیدا در آینه، از نوع پیوندی هستند که عبارتند از: "من و تو، درخت و بارون، غزل درود و بدرود، من و تو".



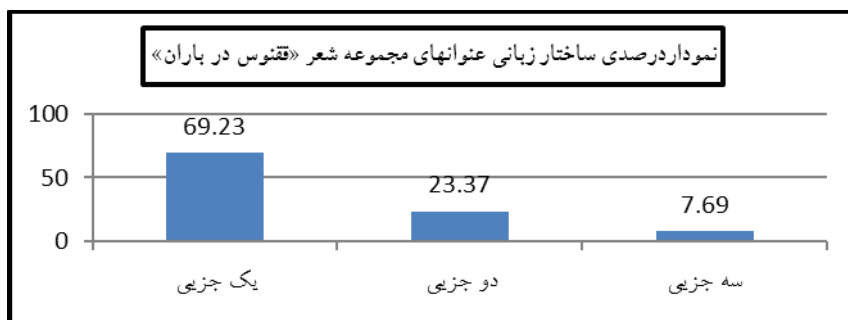
الف. ۵) مجموعه «آیدا: درخت و خنجر و خاطره»

این مجموعه شامل بیست‌ودو شعر است که ده مورد دارای عنوان هستند. از این میان، چهار عنوان از ساخت یک‌جزیی برخوردارند که عبارتند از: "شبانه (دو بار)، لوح و شکاف". تعداد عناوین با ساخت دو‌جزیی فقط یک مورد "از قفس" است. عناوین با ساخت سه‌جزیی نیز فقط یک مورد "غزلی در نتوانستن" است. یک مورد از عناوین نیز از نوع پنج‌جزیی است: "در جدال آیینه و تصویر". سه عنوان از عنوان‌های مجموعه آیدا: درخت و خنجر و خاطره، ساختار جمله‌ای دارند که عبارتند از: "و تباهی آغاز یافت، سرود آن که برفت و آن کس که بر جای ماند و از مرگ من سخن گفت".



الف. ۶) مجموعه «قنوس در باران»

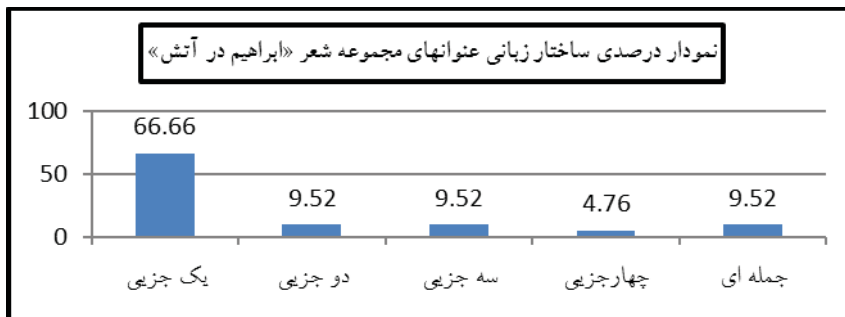
این دفتر بیست و دو شعر دارد که سیزده مورد از آن دارای عنوان هستند. نه عنوان با ساخت یک جزیی هستند که برخی از آنها مانند: "سفر، رود، نقش، مرثیه و اسباب و..." از ساخت دو جزیی سه مورد در این دفتر شعر وجود دارد که عبارتند از: "مرگ ناصری، مجله کوچک و چشم اندازی دیگر". یک شعر از این مجموعه با نام "چه راه دور" دارای عنوانی سه جزیی است. در این مجموعه از ساخت‌های با اجزای بیشتر و یا جمله‌ای خبری نیست.



الف. ۷) مجموعه «ابراهیم در آتش»

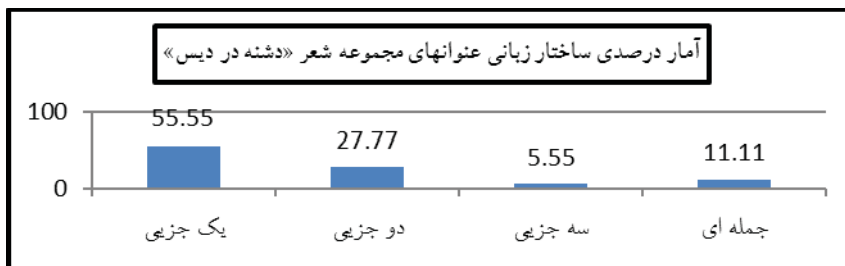
این مجموعه شامل بیست و سه شعر است که بیست و یک مورد دارای عنوان هستند. از این میان چهارده عنوان از ساخت یک جزیی برخوردارند که تعدادی از آنها عبارتند از: "شبان، نشانه، برخاستن، تابستان و تعویذ...". تعداد عناوین با ساخت دو جزیی دو مورد است: "در میدان و ترانه تاریک". عناوین با ساخت سه جزیی نیز فقط دو مورد: "بر سرمای درون و از این گونه مردن" است. یک مورد از عناوین نیز از نوع چهار جزیی است:

"سرود ابراهیم در آتش". دو عنوان از عنوان‌های مجموعه ابراهیم در آتش، ساختار جمله‌ای دارند که عبارتند از: "واپسین تیر ترکش آن‌چنان که می‌گویند و میلاد آن که عاشقانه بر خاک مرد".



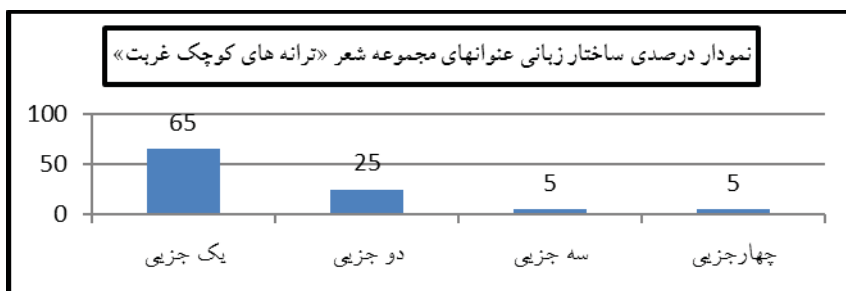
الف. ۸) مجموعه «دشنة در دیس»

این مجموعه هجده شعر دارد که همه آن‌ها دارای عنوان هستند. ده ساخت یک‌جزیی در عنوان‌های این مجموعه دیده می‌شود که بعضی از آن‌ها عبارتند از: "ضیافت، فراقی، سمیرمی، باران و پریدن...". تعداد عناوین دو جزیی پنج مورد است و شامل عنوان‌هایی هم‌چون: "از منظر، ترانه آبی، زبان دیگر، در شب و خطابه تدفین" می‌شود. تعداد عناوین با ساخت سه جزیی فقط یک مورد "ترانه بزرگ‌ترین آرزو" است. دو عنوان از عنوان‌های مجموعه دشنة در دیس، ساختار جمله‌ای دارند که عبارتند از: "گفتی که باد مرده‌ست و هنوز در فکر آن کلاغم".



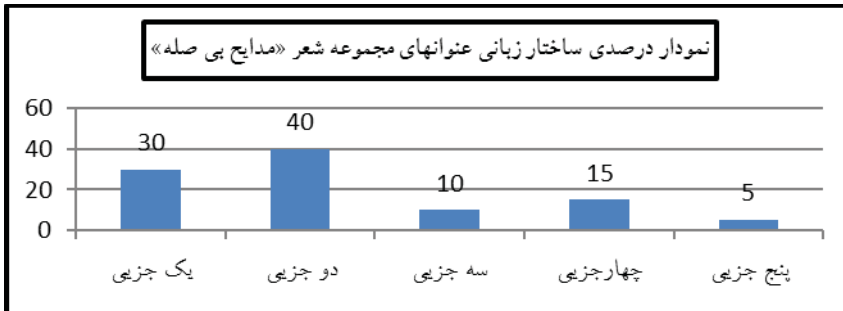
الف. ۹) مجموعه «ترانه‌های کوچک غربت»

این مجموعه شامل بیست شعر است که همه دارای عنوان هستند. از این میان سیزده عنوان از ساخت یک‌جزیی برخوردارند که برخی از آن‌ها عبارتند از: "مترسک، هجرانی، عاشقانه، شبانه و رستاخیز...". تعداد عناوین با ساخت دوجزیی پنج مورد است: "در لحظه، بچه‌های اعماق، ترانه کوچک، آخر بازی و ترانه هم‌سفران". یک عنوان از عنوان‌های مجموعه «ترانه‌های کوچک غربت»، ساختار سه‌جزیی دارد: "در این بن‌بست". شعر "خطابه آسان در امید" این مجموعه از نوع چهارجزیی است.



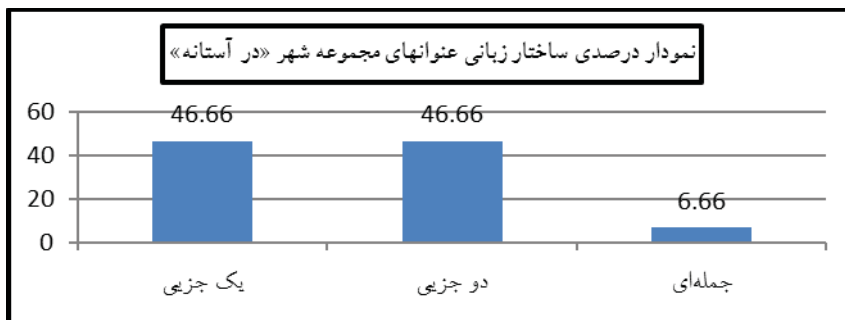
الف. ۱۰) مجموعه «مدایح بی‌صله»

این مجموعه شامل پنجاه‌وسه شعر است که فقط بیست مورد دارای عنوان هستند. از این میان شش عنوان از ساخت یک‌جزیی برخوردارند که تعدادی از آن‌ها عبارتند از: "پیغام، شبانه، کویری، بوتیمار و سپیده‌دم و...". تعداد عناوین با ساخت دوجزیی هشت مورد است. تعدادی از آن‌ها: "روزنامه انقلابی، شب غوک، ترجمان فاجعه، سرود آوارگان و حوای دیگر". عناوین با ساخت سه‌جزیی دو مورد "در کوچه آشتی‌کنان و سرود قدیمی قحط‌سالی" است. سه مورد از عناوین نیز از نوع چهارجزیی است: "در جدال با خاموشی، ترانه اشک و آفتاب و ترانه اندوه‌بار سه حماسه". یک عنوان از عنوان‌های مجموعه «مدایح بی‌صله»، ساختار جمله‌ای دارد با عنوان "یک مایه در دو مقام".



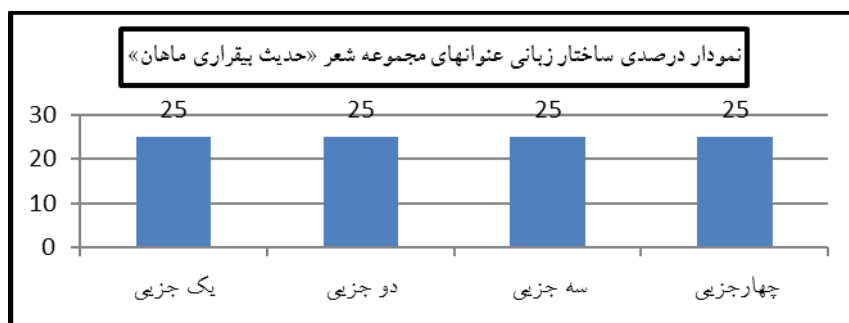
الف. ۱۱) مجموعه «در آستانه»

این مجموعه شامل بیست‌وهشت شعر است که پانزده مورد دارای عنوان هستند. از این میان هفت عنوان از ساخت یک‌جزیی برخوردارند که برخی از آن‌ها عبارتند از: "حکایت، হাসمیک، خاطره، ترانه و میلاد و...". تعداد عناوین با ساخت دوجزیی هفت مورد است: "در آستانه، خلاصه احوال، سفر شهود، گدایان بیابانی و طرح‌های زمستانی". شعر "قصه مردی که لب نداشت" تنها عنوان از این مجموعه است که از نوع جمله‌ای است و شصت‌وشش و شش دهم درصد را به خود اختصاص داده است.



الف. ۱۲) مجموعه «حدیث بی‌قراری ماهان»

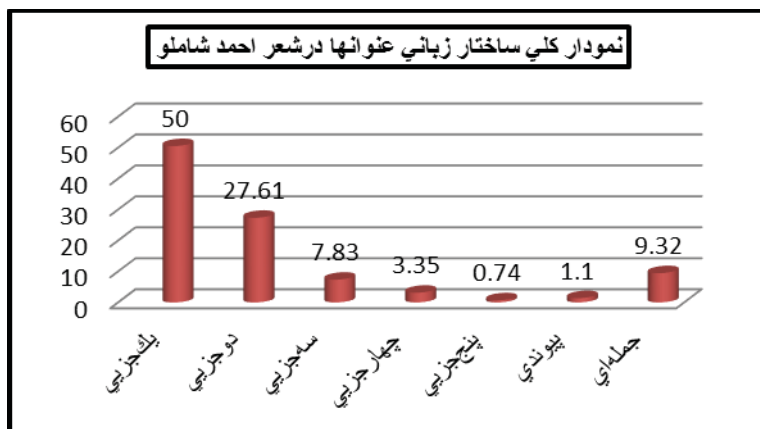
این مجموعه شامل بیست شعر است که فقط هشت مورد دارای عنوان هستند. از این مجموعه دو عنوان از ساخت یک‌جزیی برخوردارند که عبارتند از: "آشتی و شبانه". تعداد عناوین با ساخت دوجزیی دو مورد است: "سرود ششم و شب بیداران". عناوین با ساخت سه‌جزیی دو مورد "نوروز در زمستان و the day after" است. دو مورد از عناوین نیز از نوع چهارجزیی است: "با تخلص خونین بامداد و از خود با خویش".



ب) بررسی کلی عنوان‌های شعری از منظر زبان

برای تحلیل بهتر ساختار زبانی عنوان‌های شعری، لازم است نمودار کلی این ساختار در مجموع سیزده دفتر شعر ارائه گردد:

ساخت	یک جزیی	دو جزیی	سه جزیی	چهار جزیی	پنج جزیی	پیوندی	جمله‌ای
تعداد	۱۳۴	۷۴	۲۱	۹	۲	۳	۲۵



همان‌گونه که از آمارهای ارائه شده برمی‌آید ساختارهای یک‌جزیی بیشترین بسامد را در اکثر دفاتر شعری شاملو دارد و فقط در دفتر "مدایح بی‌صله" تعداد عنوان‌های دو‌جزیی بیشتر است. نمودار کلی نیز گویای آن است که شاعر در انتخاب عنوان‌ها به ساختار یک‌جزیی گرایش بیشتری داشته است. این امر بیان‌گر تمایل شاعر به واژه‌سازی و ارائه مفهوم از طریق واژه است. ساختار دو‌جزیی، مجموعاً شصت‌ویک و بیست‌وهفت صدم

درصد عنوان‌ها را شامل شده است و به نسبت سایر ساختارها، بسامد بالاتری دارد. توجه به این نوع ساختار، نشان‌دهنده تمایل شاعر به ترکیب‌سازی و ایجاد ترکیبات وصفی یا اضافی است. «سخن‌سرایان توان‌مند، همواره با آمیزش واژه‌ها و ساختن ترکیب‌های گوناگون به توسع زبانی و خلق معانی تازه دست زده‌اند. آفرینش ترکیب‌های تازه، به نو شدن زبان شعر کمک می‌کند و اغلب در ایجاد سخن کارساز است» (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

از مجموع هفتاد و چهار عنوان دوجزبی، بیست و هشت عنوان به صورت وصفی و سی و سه عنوان به صورت اضافی‌اند؛ ترکیبات اضافی مانند: "مرغ دریا، خفاش شب، مرد مجسمه، مرگ نازلی، مرغ باران و پشت دیوار". برخی از ترکیبات وصفی: "سرود بزرگ، بهار خاموش، شعر گم‌شده، سمفونی تاریک، زن خفته و غزل بزرگ".

نکته‌ای که در این ترکیبات دیده می‌شود آن‌که بارها از واژه "دیگر" استفاده شده است مانند: رنج دیگر، بهار دیگر، چشم‌اندازی دیگر، فصل دیگر، زبان دیگر، حوای دیگر.

شاملو از ساختارهای دیگر استفاده اندکی نموده و آمارها نشان می‌دهد که تعداد مجموع ساختارهای سه‌جزبی، چهارجزبی، پنج‌جزبی، پیوندی و جمله‌ای به اندازه نصف تعداد ساختار یک‌جزبی نیز نیست که این موضوع، نشانه گریز شاعر از انتخاب عنوان‌های طولانی است. شاید بتوان "عدم انتخاب عنوان" برای بعضی از اشعار را نیز در همین راستا تبیین کرد چه، تعداد پنجاه و پنج شعر از مجموع کلیات اشعار شاملو بدون عنوان هستند و البته باید به این جمع تعداد زیادی از اشعار را که دارای عنوان کلی (سرفصل) هستند و خود با شماره‌بندی از هم جدا شده‌اند، نیز اضافه کرد.

در بخش زبانی باید به چند نکته دیگر نیز اشاره کرد؛ یکی از آن‌ها این است که بعضی از عنوان‌های اشعار شاملو با علامت (...) هم‌راه‌اند؛ بعضی از این عنوان‌ها عبارتند از: "مثل این است...، حریق قلعه‌ای خاموش...، با سماجت یک الماس...، در دوردست...، من و تو... و از مرگ...".

انتخاب چنین عنوان‌هایی باعث ایجاد نوعی حالت تعلیق در ذهن خواننده می‌گردد؛ گویی شاعر در پی آن است که با انتخاب این عنوان‌ها، خواننده را مشتاق و منتظر خواندن شعر نگه دارد. شاید هم شاعر بر آن است که خواننده از مقصود او آگاه است، بنابراین از بیان ادامه آن خودداری می‌کند. لازم به ذکر است برخی از اشعار به همین شکل ناتمام (...) به پایان می‌رسند. از جمله آن‌ها می‌توان به: "در بسته...، سخنی نیست... و غزل ناتمام" اشاره کرد. اما نکته دیگری که در بخش زبانی قابل اعتنا می‌نماید، تکرار عنوان‌ها در شعر شاملوست؛ بعضی از عنوان‌ها، گویی مورد علاقه شاعرند و شاملو بارها برای شعرهای

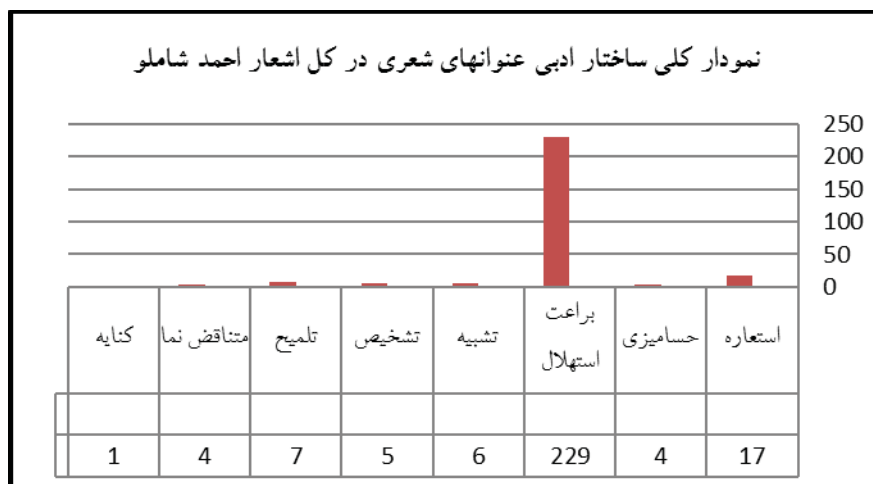
مختلف از آن‌ها استفاده نموده است. پرتکرارترین عنوان در شعر این شاعر، "شبانۀ" است که سی‌ویک بار انتخاب شده است و از دوازده مجموعه شعر مورد بررسی، فقط در یک مجموعه (در آستانه) حاضر نیست. پروین سلاجقه در این باره می‌نویسد: «اولین شبانۀ شاملو با صدور بیانیه‌ای کلی برای شبانۀ‌ها آغاز شده و طی آن شاعر خط مشی کلی خود را در شبانۀ‌ها روشن کرده و به‌صراحت اعلام کرده است نیاز به نوشتن اشعاری شبانۀ نام دارد. اشعاری که می‌توانند دو جنبۀ اصلی زندگی او را در بر بگیرند؛ قلب و بازویش: شبانۀ شعری چگونه توان نوشت / تا هم از قلب من سخن بگویند هم از بازویم؟» (سلاجقه، ۱۳۸۴: ۳۲۳).

دیگر عنوان‌های تکراری عبارتند از: مرثیه، هجرانی، سرود (به تنهایی یا به هم‌راه واژگان دیگر)، شعر (به تنهایی یا به هم‌راه واژگان دیگر)، ترانه (به تنهایی یا به هم‌راه واژگان دیگر)، تنها / تنهایی (به تنهایی یا به هم‌راه واژگان دیگر).

پ) بررسی ساختار ادبی عنوان‌های شعری

عنوان‌های شعری را می‌توان بر اساس کارکرد ادبی آن‌ها نیز مورد بررسی قرار داد؛ منظور از کارکرد ادبی، توجه به ادبیت کلام و استفاده از آرایه‌هایی است که در حوزه‌ی صور خیال دخالت دارند. آمارها نشان می‌دهد از میان دو‌یست‌وهفتادویک عنوان شعر موجود در دیوان اشعار احمد شاملو، دو‌یست‌وپنجاه‌وشش مورد دارای عنوان ادبی (همراه با آرایه‌ای ادبی) می‌باشند. به عبارت دیگر، بیش از نودوچهار درصد از عنوان‌های این کتاب از ساختار ادبی برخوردارند. در نمودار زیر درصد صنایع ادبی حاضر در کل این کتاب ارائه می‌گردد.

کنايه	متناقض نما	تلميح	تشخيص	تشبيه	براعت استهلال	حس آميزی	استعاره	آرایه ادبی مجموعه
-	۲	-	۳	۳	۴۲	۱	۸	هوای تازه
۱	۱	-	-	۲	۳۷	-	۲	باغ آینه
-	-	-	-	۱	۱۴	-	۱	لحظه‌ها و همیشه
-	-	-	-	-	۱۶	-	۲	آیدا در آینه
-	-	-	-	-	۱۰	-	-	آیدا: درخت و خنجر و خاطره
-	-	-	-	-	۱۲	-	-	ققنوس در باران
-	۱	۲	-	-	۱۶	۱	-	ابراهیم در آتش
-	-	-	۱	-	۱۵	۱	۱	دشنة در دیس
-	-	-	-	-	۱۹	-	۱	ترانه‌های کوچک غربت
-	-	۴	۱	-	۱۴	-	-	مدایح بی‌صله
-	-	-	-	-	۱۴	-	-	در آستانه
-	۱	-	-	-	۵	۱	۱	حدیث بی‌قراری ماهان
۱	۴	۶	۵	۶	۲۱۴	۴	۱۶	جمع



چنان‌که آمارها به‌خوبی نشان می‌دهد پرکاربردترین آرایهٔ ادبی در عناوین کل اشعار شاملو، "بِراعت استهلال" است که هشتادوهشت و هشتادوسه صدم درصد از مجموع صنایع ادبی را تشکیل می‌دهد. جالب آن‌که در بعضی از عناوین مجموعه شعرها (آیاء: درخت و خنجر و خاطره، ققنوس در باران و در آستانه) غیر از بَراعت استهلال، آرایهٔ دیگری دیده نمی‌شود.

بِراعت استهلال یکی از صنایع معنوی علم بدیع است و منظور از آن آغاز کردن شعر با کلماتی زیبا و ساده و روشن است که با اشاره‌ای لطیف و متناسب، خواننده را به اصل مقصود رهنمون باشد، چنان‌که خواننده ادامهٔ آن را دریابد. اما منظور ما از بَراعت استهلال، ساختار کلاسیک آن که در ابتدای قصاید شاعران ذکر می‌شده، نیست بلکه این آرایه در شعر معاصر بدین‌صورت است که شاعر با انتخاب یک عنوان شعری، مخاطب را با مسیر کلی شعر و طرح اصلی آن آشنا می‌سازد. برخی از این عنوان‌ها عبارتند از: میان ماندن و رفتن، سفر، انتظار، تردید، ساعت اعدام، راز، سرگذشت، بدرود، تنها، برف، پل الله‌وردی خان، کیفر، ماهی و لوح گور و... .

استفاده فراوان از بَراعت استهلال نشان می‌دهد که شاملو، عنوان‌ها را مانند تابلویی بر جاده‌های شعرش نهاده تا نشانه و راهنمایی برای مسافران اشعارش باشد و آن‌ها را سریع‌تر و از نزدیک‌ترین مسیر به مقصد برساند. گویی شاعر به‌طور عمد خواسته تا کلید رمزگشایی شعر را به دست مخاطب بدهد، زیرا این عنوان‌ها حکم مقدمه‌ای را دارند که از همان ابتدا خواننده را با موضوع و محتوای شعر آشنا می‌سازند. اما استفادهٔ زیاد از بَراعت استهلال بیان‌گر نکتهٔ مهم‌تری است؛ به‌کارگیری این آرایه می‌تواند در راستای یکپارچه نمودن اندیشه‌های شاعر صورت پذیرد. به عبارت دیگر، حضور این آرایه در عنوان شعر، می‌تواند ابزاری باشد برای ایجاد وحدت و انسجام شعری که از آن به وحدت ارگانیک یا نماد ساخت‌مند تعبیر می‌شود. «فرآیند شکل‌گیری این نوع فرم شعری، این‌گونه است که حادثه‌ای شعری از رویارویی شاعر با یک واژه یا شیء اتفاق می‌افتد و با جرقه‌ای در ذهن او نطفهٔ شعر بسته می‌شود. شاعر نگاهش را بر یک پدیده، متمرکز می‌سازد و آن را در کانون عواطف و ذهنیات خود قرار می‌دهد و تا پایان شعر از آن سخن می‌گوید... خواننده هر چه در مسیر شعر پیش می‌رود جنبه‌های تازه‌ای از آن پدیده برایش تصویر می‌شود وقتی به پایان شعر می‌رسیم، آن پدیده، دیگر شیء نیست بلکه نمادی است از مفاهیم و اندیشه‌هایی که در پس آن پنهان است» (فتوحی و علی‌نژاد، ۱۳۷۶: ۱۰۶).

ساخت ارگانیک به معنی مصطلح، در شعر کلاسیک دیده نمی‌شود، اما در برخی اشعار

کلاسیک، گاه از ابتدا تا انتها از یک موضوع سخن می‌رود یا در برخی قصاید و غزلیات، ردیف، بار این وحدت و یکپارچگی را بر دوش می‌کشد و شاعر با انتخاب یک واژه به‌عنوان ردیف، شعر خود را هدف‌مند و منسجم به پیش می‌برد. «تسلسل و تکرار مفاهیم و کلمات، باعث نوعی تشکّل و نظم واحد می‌گردد که ردیف، حائز چنین ویژگی است. آمدن واژه یا واژگانی واحد در انتهای هر بیت، مسیری مشخص و از پیش تعیین‌شده را پیش روی شاعر می‌نهد و وی را وادار می‌سازد تا هدف‌مند بیان‌دیشد و ساختار تخیلش را بر مبنایی واحد بنا نهد» (روحانی و عنایتی، ۱۳۹۲: ۱۱).

حال به نظر می‌رسد در شعر معاصر، "عنوان شعر" تقریباً همین نقش را ایفا می‌کند و چه بسا می‌بینیم که یک شعر، درست در راستای بار معنایی عنوان حرکت می‌کند. به عبارت دیگر، عنوان از یک سو، باعث ایجاد انسجام و یکپارچگی معنایی در ساختار شعر می‌گردد و از سوی دیگر، به‌خوبی اندیشه‌ها و ذهنیات شاعر را برای مخاطب تبیین می‌سازد. بنابراین کاربرد فراوان "براعته استهلال" در عنوان‌های اشعار شاملو را می‌توان یکی از ویژگی‌های سبکی شاملو در رسیدن به وحدت ارگانیکی انگاشت.

استعاره از آرایه‌های دیگری است که به نسبت سایر آرایه‌ها، کاربرد بیشتری در ساختار عنوان‌های شعر شاملو دارد و بیست‌ودو و شش دهم درصد از مجموع عنوان‌ها را به خود اختصاص داده است. پس از آن، آرایه تلمیح بیشترین کاربرد را دارد. نمونه‌هایی از استعاره: دو شب، شعر ناتمام، بهار دیگر و رانده.

نمونه‌هایی از تلمیح: حوای دیگر، سرود ابراهیم در آتش و هملت.

برآیند کلی این آمارها در این بخش، این است که شاملو چندان تمایلی به استفاده از ساختار ادبی در انتخاب عنوان‌ها نداشته است. «البته شعر معاصر به طور کلی برخلاف شعر کلاسیک، آرایه‌محور نیست و شاعر معاصر توجهی به آرایش کلام خود بوسیله این ابزارها، که در بیشتر موارد تصنعی هستند، ندارد. اما این بی‌اعتنایی در شعر شاملو در بالاترین حدّ ممکن است، به‌گونه‌ای که در کلّ مجموعه اشعار او که بیش از هزار صفحه است، به موارد اندکی از این آرایه‌ها برمی‌خوریم که آن هم نه به قصد پیرایه بستن بر سخن، بلکه به‌صورت خودجوش و در نتیجه رفتار کلی کلام ظاهر شده‌اند» (سلاجقه، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۱۰۱).

ت) ارتباط عنوان‌ها با متن شعر

شاعران برای گزینش عنوان برای شعر خود، از دو راه استفاده می‌کنند؛ یا این عناوین به طور مستقیم از داخل متن انتخاب می‌شوند و یا این‌که ساخته ذهن شاعرند و در

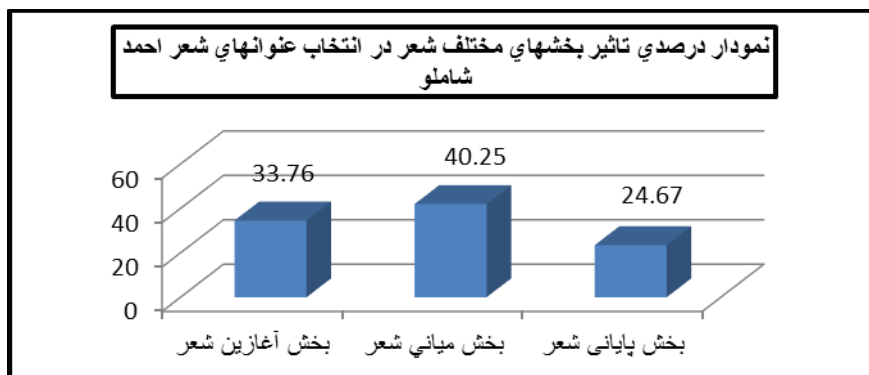
دیالکتیک معنایی با شعر برگزیده می‌شوند. به عبارت دیگر، ارتباط عنوان هر شعر با خود شعر از دو طریق "ارتباط واژگانی" و "ارتباط معنایی" صورت می‌پذیرد. بررسی آماری عناوین اشعار همهٔ دفاتر شعری احمد شاملو، نشان می‌دهد که از مجموع دو بیست و هفتاد و یک عنوان، هفتاد و هفت مورد از داخل و صد و نود و چهار مورد از بیرون متن شعر برگزیده شده‌اند و این امر بیان‌گر آن است که شاعر بیشتر به "ارتباط معنایی" توجه نشان داده است و این که کمتر، عنوان‌ها را از داخل متن شعر برگزیده یعنی او سعی کرده عنوان اشعارش برآیندی از معنا و مفهوم جاری در شعر باشد تا لفظ یا عبارتی خاص از خود شعر. بنابراین می‌بینیم که پنجاه و نه و هفتاد و یک صدم درصد از مجموع عنوان‌ها از نوع ارتباط معنایی و چهل و یک و بیست و هشت صدم درصد آن‌ها از نوع ارتباط واژگانی‌اند.

مجموعه	واری تازه	بند، بند	همیشه	لحظه‌ها و همیشه	ایدا در آینه	خبر خاطر ایدا درخت و	باران	فتوح در آینه	دشمنه در دین	چهارمین زبانهای	مدایح بی‌صده	در آستانه	تقراری عالم دین
درصد	۳۹	۴۰	۲۷	۳۵	۳۰	۲۳	۱۴	۳۳	۱۵	۱۰	۰	۰	۰

جدول فوق نشان‌دهندهٔ درصد عنوان‌هایی است که در هر مجموعه از داخل متن انتخاب شده‌اند. چنان‌که دیده می‌شود آمارها در مجموعه‌های مختلف، متفاوت است و شاعر در مجموعه‌های ابتدایی‌اش تمایل بیشتری به انتخاب عنوان از داخل متن شعر نشان داده است. این تغییر در چگونگی انتخاب عنوان را می‌توان وابسته به تغییر نگرش شاعر دانست، زیرا وی در دفاتر ابتدایی، تحت تأثیر شعر کلاسیک، به صورت سنتی به انتخاب عناوین می‌پردازد حال آن‌که در ادامه با پی بردن به ارزش واژه، سعی می‌کند به بهترین نحو ممکن از ظرفیت آن استفاده نموده و با انتخاب عنوانی مناسب از بیرون شعر، علاوه بر برجسته ساختن نقش و اهمیت واژه، خواننده را نیز به سوی مقصود خود رهنمون شود. هم‌چنین انتخاب عنوان از طریق ارتباط معنایی، بار دیگر تأکید بر توجه شاعر به وحدت ارگانیک یا نماد ساخت‌مند است.

حال باید دید شاملو در اشعاری که عنوان آن‌ها را از داخل متن انتخاب کرده، بیشتر به کدام بخش از شعر توجه داشته است؟ به عبارت دیگر کدام قسمت از شعر برای شاعر از اهمیت بیشتری برخوردار است؟ جدول زیر آمار این انتخاب‌ها را به تفکیک مجموعه‌های مختلف شعری احمد شاملو نشان می‌دهد:

نام دفتر شعر	بخش آغازین شعر	بخش میانی شعر	بخش پایانی شعر	جمع
هوای تازه	۸	۱۱	۸	۲۷
باغ آینه	۷	۷	۵	۱۹
لحظه‌ها و همیشه	۳	۱	۱	۵
آیدا در آینه	۴	۱	۱	۶
آیدا: درخت و خنجر و خاطره	-	۲	۱	۳
ققنوس در باران	۱	۲	-	۳
ابراهیم در آتش	-	۱	۲	۳
دشنه در دیس	۳	۲	۱	۶
ترانه‌های کوچک غربت	-	۳	-	۳
مدایح بی‌صله	-	۲	-	۲
در آستانه	-	-	-	-
حدیث بی‌قراری ماهان	-	-	-	-
جمع	۲۶	۳۱	۱۹	۷۷
درصد	۷۶.۳۳	۲۵.۴۰	۶۷.۲۴	۱۰۰



این نمودار نشان می‌دهد که شاعر، عنوان‌های شعری‌اش را عمدتاً از بخش‌های میانی اشعار برگزیده است. یعنی شاعر اهمیت بیشتری برای این بخش از شعر قائل بوده است زیرا معمولاً عنوان‌های شعری در بردارندهٔ مضمون اصلی آن شعر و ارائه‌کنندهٔ هدف، احساس و اندیشهٔ شاعر می‌باشند و وقتی شاعری عنوان شعر را در بخشی از شعر جای می‌دهد، بیان‌گر اهمیتی است که آن شاعر برای آن بخش قائل است.

ث) بررسی عنوان‌ها از منظر محتوایی

رویکرد دیگری که می‌توان عنوان‌های شعری را از طریق آن مورد بررسی قرار داد، رویکرد محتوایی و معنایی است؛ محتوای شعر از جمله مقولات مورد توجه و تأثیرگذار در هر شعر است و بررسی محتوایی عنوان‌های شعری، در شناخت عناصر فکری شاعر، بسیار راه‌گشاست؛ چه، شاعر در انتخاب عنوان شعر، تمام جوانب را مراعات نموده تا عنوان شعر او به بهترین شکل بیان‌گر روحیات و خواسته‌ها و مضامین فکری وی باشد. مفاهیم و معانی گوناگون واژه‌ها، ما را به درک و دریافت بهتر و درست‌تر آثار هر شاعر نزدیک می‌کنند بنابراین بررسی عنوان‌های شعری از آن جهت با اهمیت می‌نماید که نماینده فکر و اندیشه شاعرند و مضامین و محتوای اشعار را در درون خود نهفته دارند. در ادامه به بررسی محتوایی عنوان‌های شعری مجموعه‌های احمد شاملو می‌پردازیم.

ث. ۱) انسان‌گرایی شاملو

انسان به‌عنوان تنها موجود آگاهی که توان اندیشیدن دارد، همواره در آثار شاعران حضور داشته است. با این حال هر شاعری را نمی‌توان انسان‌گرا انگاشت، چرا که انسان‌گرایی تنها سخن گفتن از انسان نیست بلکه باوری است که بر اساس آموزه‌های آن انسان مقدم بر هر چیزی باید دانسته شود؛ در جهان، جامعه مدرن و قبیله هیچ کدام بر انسان پیشی ندارند و در جایگاهی فروتر از انسان قرار می‌گیرند حال آن‌که در گذشته، چنین نبود و انسان در قیاس با جامعه و قبیله وزنی نداشت و بدون آن‌ها معنا پیدا نمی‌کرد چنان‌که در آثار افلاطون و شاگردش ارسطو چنین است و دولت، مقدم بر فرد (انسان) دانسته می‌شود. در نظر ارسطو «دولت یک کل اندام‌وار است و فرد فقط یک جزو از این کل است. رابطه بین فرد و دولت مثل رابطه یک عضو از یک پیکره زنده است. در یک پیکره زنده، یک عضو جدا از کل آن پیکره، هویت و جایگاهی ندارد. یونانیان [افلاطون و ارسطو] فرد را بیرون از دولت شهر نمی‌توانستند به تصور آورند» (پولادی، ۱۳۸۲: ۷۳).

با فرا رسیدن دوره مدرن (در غرب با رنسانس و در ایران با انقلاب مشروطه) و گسترش تفکرات فردباورانه، انسان در کانون بحث‌ها قرار گرفت. در ایران، شاملو یکی از این شاعران روشن‌فکر بود که باور به تقدّم انسان داشت و از رعایت انسان سخن می‌گفت. انعکاس انسان‌گرایی در شعر شاملو نمونه‌های فراوانی دارد؛ مثلاً زمانی که خود را فردی جهان‌وطن دانسته، خویش را از قید تعلق به سرزمینی به نام ایران می‌رهاند و بر انسان‌گرا بودن خویش تأکید می‌کند (شریعت‌کاشانی، ۱۳۸۱: ۸۱). این تفکر انسان‌گرایانه از بررسی

عنوان‌هایی که شاملو برای اشعارش برگزیده است، نیز قابل دریافت است؛ عنوان‌هایی که به انسان‌ها و صفات و ملازمات انسانی و شخصیت‌ها اشاره دارد. صفات و ملازمات انسانی: رانده، بیمار، خفتگان، رستگاران و هجرانی، ساعت اعدام، بودن، خواب و جین‌گر، کیفر، لوح گور و میلاد. وصف شخصیت‌ها: از زخم قلب آبایی، مرگ نازلی، رکسانا، شعار ناپلئون کبیر در جنگ‌های بزرگ میهنی، مرگ ناصری، سرود ابراهیم در آتش و حوای دیگر. سخن از نوع انسان‌ها: مرد مجسمه، سرود مردی که تنها به راه می‌رود، زن خفته، من و تو، سرود برای مرد روشن که به سایه رفت، سرود آن که رفت و آن کس که بر جای ماند، میلاد آن که عاشقانه بر خاک مرد، بچه‌های اعماق، سرود آوارگان و قصه‌ی مردی که لب نداشت.

ث. ۲) طبیعت‌گرایی

«عنصر غالب در صورت‌های غالب شعر شاملو، طبیعت است و همه جا حضور طبیعت در شعر شاملو احساس می‌شود. بی‌گمان گذشته از عواطف عمومی و انسانی مطرح در شعر شاملو، راز جاذبه‌ی آمیخته از لطف زیبایی و شکوه حماسی آن را یکی هم باید مرهون همین غلبه‌ی عنصر طبیعت دانست» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۶۱). این طبیعت‌گرایی از بررسی عنوان‌های شعر شاملو نیز احساس می‌شود. نگاهی به مجموعه‌ی اشعار او نشان می‌دهد بسیاری از عنوان‌های به کار رفته در شعر او دلالت بر طبیعت و عناصر طبیعی دارد که این امر بیان‌گر توجه ویژه‌ی شاعر به طبیعت پیرامون و به‌کارگیری آن در شعرش است. از جمله این عنوان‌ها عبارتند از: بهار خاموش، خفاش شب، مه، مرغ باران، بهار دیگر، برف، غروب سیارود، ماهی، کاج، باران، کوه‌ها، رود، پاییز، مترسک، سپیده‌دم، کویری، بوتیمار، شب غوک، طبیعت بی‌جان، و قناری گفت.

ناگفته نماند شاملو از بسیاری از این واژگان به صورت نمادین استفاده نموده و به نحوی نمادهای طبیعی را در راستای اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی به کار گرفته است. نکته قابل توجه دیگر آن‌که نام برخی از مجموعه شعرهای شاملو نیز یا برگرفته از طبیعت است و یا بخشی از آن‌ها نمادی طبیعی محسوب می‌شود مانند: هوای تازه، باغ آینه، آیدا: درخت و خنجر و خاطر، ققنوس در باران، مرثیه‌های خاک، شکفتن در مه، ابراهیم در آتش.

ث. ۳) عناصر عاشقانه

یکی از دغدغه‌های شاملو در بیشتر دفاتر شعری‌اش، پرداختن به مفهوم "عشق" است که به صورت یکی از ارکان محتوایی شعر او متجلی شده است و به گفته یکی از منتقدان «شاملو درگیر عواطف رمانتیک است» (تسلیمی، ۱۳۸۳: ۱۰۶) در باب این‌که عشق مطرح شده در شعر شاملو از چه نوع است، سخن فراوان گفته شده اما مطمئناً شاملو بر این باور است که عشق می‌تواند رمز زیستن باشد. عشقی دوجانبه که به مکاشفه‌ای دوجانبه و آینه‌وار منتهی می‌گردد.

بررسی عنوان‌های شعری احمد شاملو نیز ما را به اهمیت مفهوم عشق در اندیشه و شعر شاملو رهنمون می‌سازد؛ بسیاری از عنوان‌های اشعار وی به عناوین عاشقانه اختصاص داده شده و نشان‌گر توجه به مسائل غنایی و عاشقانه است. بعضی از این عناوین عبارتند از: دیدار واپسین، صبر تلخ، انتظار، احساس، شبانه، تو را دوست می‌دارم، دیگر تنها نیستیم، با هم سفر، وصل، من و تو و درخت و بارون، آیدا در آینه، با چشم‌ها، ترانه تاریک، عاشقانه، ترانه اشک و آفتاب، دوستت می‌دارم، غزل آخرین انزوا، حرف آخر، بوسه و آشتی.

ث. ۴) مرثیه (شعر غم‌گنانه)

از دیگر درون‌مایه‌های پررنگ در شعر شاملو می‌توان به اشعار غم‌گنانه و یا به عبارتی سوگ‌نامه‌سرایی اشاره کرد که گاهی جنبه شخصی دارد و در مرگ عزیزان و از دست دادن دوستان سروده شده است و گاه رنگ اجتماعی و سیاسی به خود می‌گیرد. شاملو با انتخاب عنوان‌هایی که به‌خوبی بازگوکننده تم اصلی شعرش است، خواننده را آگاه می‌سازد که با شعری غمگین روبروست. تعدادی از این عناوین عبارتند از: هجرانی، مرثیه، مرگ نازلی، مرگ ناصری، از زخم قلب آبابی، بدرود، مرثیه (در رثای فروغ فرخزاد)، و حسرتی (شامل شش شعر است که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان مرثیه‌ها بررسی نمود) (سلاجقه: ۱۳۸۴: ۴۹۴)، سرود برای مردی روشن که به سایه رفت، سرود ابراهیم در آتش، میلاد آن که عاشقانه بر خاک مرد، خطابه تدفین و مرد مصلوب.

انتخاب این عناوین بسیار بجا بوده و به‌خوبی بیان‌گر مفهوم مورد نظر شاعر هستند.

نتیجه

در این مقاله بر آن بودیم تا از طریق ارائه آمارها و نمودارها به تبیین روابط میان عناوین شعری با اندیشه و زبان شعر احمد شاملو بپردازیم. بنابراین چهارده مجموعه شعر از مجموعه اشعار وی را مورد تدقیق قرار دادیم که حاصل این بررسی‌ها در ادامه می‌آید: ساختار یک‌جزیی بیشترین بسامد را (پنجاه درصد) در کل اشعار شاملو دارد و این امر، تمایل شاعر به واژه‌سازی و بیان مفاهیم از طریق واژه را نشان می‌دهد. عنوان‌های دوجزیی بیست‌وهفت و شصت‌ویک درصد از عنوان‌ها را شامل شده که بیان‌گر علاقه شاعر به ترکیب‌سازی است. از مجموع هفتادوچهار عنوان دوجزیی، بیست‌وهشت عنوان به صورت وصفی و سی‌وسه عنوان به صورت اضافی‌اند. شاملو از ساختارهای دیگر (سه‌جزیی، چهارجزیی، پنج‌جزیی، پیوندی و جمله‌ای) استفاده اندکی نموده است که این موضوع، نشانه پرهیز شاعر از انتخاب عنوان‌های طولانی است.

بعضی از عنوان‌های اشعار شاملو با علامت (...) همراهند؛ مانند: من و تو...، از مرگ... انتخاب چنین عنوان‌هایی باعث ایجاد نوعی حالت تعلیق در ذهن خواننده می‌گردد و او را منتظر خواندن شعر نگه می‌دارد. لازم به ذکر است برخی از اشعاری که چنین عنوان‌هایی دارند، به همین شکل ناتمام (...) به پایان می‌رسند.

شاملو از بعضی عناوین بارها برای شعرهای مختلف استفاده نموده است. پرتکرارترین عنوان در شعر این شاعر، "شبان" است که سی‌ویک بار برای اشعار شاملو انتخاب شده است. از دیگر عنوان‌های تکراری عبارتند از: مرثیه، هجرانی، سرود، شعر، ترانه و... بررسی و تحلیل ادبی عنوان‌ها نشان می‌دهد پرکاربردترین آرایه ادبی در عناوین کل اشعار شاملو، براعت استهلال است که بیش از هشتادوهشت درصد از مجموع صنایع ادبی را تشکیل می‌دهد. در بعضی از مجموعه شعرها غیر از براعت استهلال، آرایه دیگری دیده نمی‌شود. این امر به عنوان یک ویژگی سبکی در شعر شاملو، ابزاری است در راستای دستیابی به وحدت ارگانیکی. یکی دیگر از آرایه‌هایی که به نسبت سایر آرایه‌های ادبی، کاربرد بیشتری در ساختار عنوان‌های شعر شاملو دارد، استعاره است که بیست‌ودو و شش دهم درصد از مجموع عنوان‌ها را به خود اختصاص داده است و پس از آن، آرایه تلمیح بیشترین کاربرد را دارد.

از مجموع دویست‌وهفتادویک عنوان، هفتادوهفت مورد از داخل و صدونودوچهار مورد از بیرون متن شعر برگزیده شدند. به عبارت دیگر، پنجاه‌وهشت و هفتادویک صد درصد از مجموع عنوان‌ها از نوع ارتباط معنایی و بقیه آن‌ها از نوع ارتباط واژگانی‌اند. این

موضوع بیان‌گر آن است که شاعر بیشتر به "ارتباط معنایی" توجه نشان داده و این نیز در راستای وحدت ارگانیک قابل تبیین است.

تحلیل محتوایی عنوان‌های شعری نشان می‌دهد عمده‌ترین مضامین مورد توجه شاملو عبارتند از طبیعت‌گرایی، انسان‌گرایی، عاشقانه‌ها و مرثیه‌سرایی. همان مضامینی که از واکاوی متن شعر شاملو نیز قابل دریافت است.

فرجام سخن آن‌که شاملو از عنوان‌ها، انتظار کارکردی ادبی ندارد و آن‌ها را برای ارزش زیبایی‌شناسی‌شان به کار نمی‌گیرد. آمار پایین عنوان‌ها با استفاده از صنایع ادبی، گویای آن است که هدف او از آوردن نام و عنوان، فقط تعیین مسیری است برای خواننده. به عبارت دیگر، عنوان‌ها کارکردی زیبایی‌شناختی ندارند، بلکه کارکردشان معنایی است. به همین دلیل می‌بینیم از یک سو، در ساختار عنوان‌ها کمتر از صناعات و آرایه‌های ادبی بهره گرفته شده و از سوی دیگر، ارتباط عنوان‌ها با متن نیز بیشتر معنایی است و فقط بیست‌ونه درصد از عنوان‌ها دارای ارتباط واژگانی با متن هستند. یکی دیگر از دلایل استفاده اندک از آرایه‌های ادبی در ساختار عنوان‌ها، این است که بیشتر عنوان‌ها از ساختار یک‌جزیی برخوردارند و کمتر از ساخت‌های ترکیبی استفاده شده است. به همین دلیل، فضای کافی برای ارائه تصاویر ادبی در این دسته از عنوان‌ها وجود نداشته است و همین‌که تعداد عنوان‌های با ساختار یک‌جزیی بسیار بیشتر از ساختارهای دیگر است، دلیل دیگری است بر این‌که شاعر می‌خواهد تنها با استفاده از یک کلمه کلیدی، پیام خود را به مخاطب برساند. البته دستیابی به وحدت ارگانیک از طریق گزینش عنوان‌ها نیز از ویژگی‌های سبکی شاعر محسوب می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. به دلیل این‌که بخش عمده‌ای از این مقاله مبتنی بر آمار و بررسی آماری عنوان‌های شعری است و با توجه به این‌که تعداد شعرهای سه مجموعه شعر ابتدایی شاملو (آهن‌ها و احساس، ۲۳، قطع‌نامه، شکفتن در مه و مرثیه‌های خاک) بسیار اندک است، از بررسی دفاتر مذکور صرف نظر نمودیم.
۲. بعضی از اشعار شاملو دارای عنوانی کلی هستند و اشعار زیرمجموعه با ذکر شماره بدون ذکر عنوانی مجزا ارائه شده‌اند.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۰). در سایه آفتاب. تهران: سخن.
۲. _____ . (۱۳۸۱). سفر در مه (تأملی در شعر احمد شاملو). تهران: نگاه.
۳. پولادی، کمال. (۱۳۸۲). تاریخ اندیشه سیاسی در غرب: از سقراط تا ماکیاوولی. تهران: مرکز.
۴. تسلیمی، علی. (۱۳۸۳). گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران، (شعر). تهران: اختران.
۵. حسینی، کاووس. (۱۳۸۳). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. تهران: ثالث.
۶. سلاجقه، پروین. (۱۳۸۴). امیرزاده کاشی‌ها. تهران: مروارید.
۷. شریعت کاشانی، علی. (۱۳۸۸). سرود بی‌قراری: درنگی در هستی‌شناسی شعر، اندیشه و بینش احمد شاملو. تهران: گلشن راز.
۸. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). موسیقی شعر. تهران: آگاه.
۹. غیائی، محمدتقی. (۱۳۶۸). درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری. تهران: شعله اندیشه.
۱۰. لوریا، الکساندر. (۱۳۶۸). زبان‌شناخت. ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده. ارومیه: انزلی.

ب) مقاله‌ها

۱۱. روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمد. (۱۳۹۲). "نگاهی به ردیف و کارکردهای آن در شعر خاقانی". در فنون ادبی. س ۵. ش ۲ (پیاپی ۹). صص ۶۷-۸۸.
۱۲. عمران‌پور، محمدرضا. (۱۳۸۶). "اهمیت عناصر و ویژگی‌های ساختاری واژه در گزینش واژگان شعر". در نشریه گوهر گویا. صص ۱۵۳-۱۸۰.
۱۳. فتوحی، محمود و علی‌نژاد، مریم. (۱۳۸۶). "نوآوری نیما در فرم درونی شعر فارسی". در پژوهش‌های ادبی. س ۵. ش ۱۸. صص ۱۰۳-۱۱۵.
۱۴. گرجی، مصطفی و میری، افسانه. (۱۳۸۸). "بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصر امین‌پور". در جستارهای ادبی. ش ۱۶۷. صص ۷۹-۱۰۵.